بررسی کتاب - خارستان لفظ لغزشگاه معنا

طباطبایی، صالح

«موسوعة المتشرقین»عنوان کتابی است از نویسنده معاصر عرب آقای دکتر عبد الرحمان‏ بدوی.این کتاب که،از آخرین آثار مؤلف به‏ شمار می‏آید،به شرح احوال و ذکر مهمترین‏ آثار بیش از 200 تن از خاور شناسان پرداخته‏ است.کتاب به رغم کاستیهایش،که تفصیل آن‏ مقالهء جداگانه‏ای می‏طلبد،از ویژگیهایی نیز برخوردار است که آن را در مقایسه با تألیفات‏ مشابه ممتازتر می‏سازد.نخست آنکه مؤلف به‏ دلیل تسلط کافی بر چند زبان اروپایی،و از سوی دیگر به خاطر دسترسی به منابع دست‏ اول،توانسته اطلاعات جامعتری در اختیار خوانندگان قرار دهد.و دیگر آنکه در نتیجهء آشنایی نزدیک و گاه روابط دوستانهء مؤلف با برخی از چهره‏های بنام خاورشناسی معاصر مطالب دست اول و تازه‏تری در آن درج گردد. از آنجا که تاکنون آنچه در این زمینه به زبان‏ فارسی ترجمه یا تألیف گردیده ناکافی،اندک یا کهنه بوده است،ترجمه‏ای خوب از این اثر می‏توانست تا اندازهء زیادی جای خالی آن را پر نماید.سرانجام برگردان فارسی این کتاب توسط مترجمی به نام آقای شکر الله خاکرند از سوی‏ مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‏ علمیه قم،ناشر برگزیدهء سال 1375 در نهمین‏ نمایشگاه بین المللی کتاب تهران،با عنوان‏ «فرهنگ کامل خاورشناسان»(بهار،1375) انتشار یافت.اما دیری نگذشت که برخی از اهل فضل و تحقیق از لغزشها و اشتباهات بسیار این ترجمه سخن گفتند.نگارنده نیز که پیشتر با اصل کتاب آشنایی داشت،بر آن شد که با مطالعه و تطبیق ترجمه با اصل متن از دقت یا عدم دقت این ترجمه اطمینان حاصل نماید. نتیجه این بررسی به راستی باور نکردنی و شگفت انگیز بود.اشتباهات این ترجمه از آنچه‏ گفته می‏شد،که در ضبط نادرست اسامی اعلام‏ و مانند آن است،بسیار فراتر بود؛چنان که به‏ جرأت می‏توان گفت در دو دههء اخیر انتشار ترجمه‏ای بدین پایه از خطا و اشتباه در ایران‏ بی‏سابقه یا نادر بوده است.بخشی از انواع‏ اشتباهات در این ترجمه عبارتند از:ضبط نادرست اسامی اعلام؛اشتباهات فاحش و بزرگ در ترجمه عناوین کتب و مقالات‏ خاورشناسان؛لغزشهای فراوان در فهم معنای‏ صحیح عبارات،ترجمه نکردن کلمات یا جملاتی که فهم آن بر مترجم دشوار آمده؛و خطاهای آشکار در زمینه رعایت قواعد دستوری‏ در جمله بندی و انشا که تمام موارد خطا در ترجمه‏ مزبور در این مقاله کوتاه نمی‏گنجد،از این رو تنها به ذکر مواردی چند از انواع اشتباهات‏ عمده‏ای که در این ترجمه روی داده است بسنده‏ می‏کنیم:

1-ضبط نادرست اسامی خاص

نتیجهء بررسی آماری نگارنده حاکی از وجود بیش از 500 مورد ضبط نادرست اسامی اعلام‏ در این ترجمه است.به عبارت دیگر،کمتر صفحه‏ای از کتاب می‏توان یافت که در آن چند اسم خاص به صورت نادرست ضبط نگردیده‏ باشد.به مشتی از این خروار توجه فرمایید: -ضبط نادرست اسامی اشخاص.

-ضبط نادرست اسامی کشورها،شهرها، دانشگاهها،کتابخانه‏ها و...

2-اشتباهات بزرگ در ترجمهء عناوین کتب و مقالات خاورشناسان: یکی از اصیلترین اهداف نگارش این کتاب‏ آشنایی هر چه بیشتر خوانندگان با موضوعات و عناوین مهمترین آثار خاورشناسان بوده است. از این رو بروز اشتباهات بزرگ،فراوان،و تأسف‏بار در ترجمهء این عناوین در واقع نقض‏ غرضی برای ترجمه این کتاب تواند بود. متأسفانه لغزشهای مترجم در این زمینه‏ توجیه ناپذیر و شگفت انگیز و فراوان است که‏ از آن میان به ذکر موارد زیر بسنده می‏کنیم.

1-در صفحه 75 از ترجمه،ذیل عنوان‏ «آسین پالاسیوس»(1)،مترجم عنوان یکی از پژوهشهای مهم وی را چنین ذکر کرده است: «سوابق اسلامی راهان پاسکال»(ص 75، ستون 1،17 و 18).این اثر پالاسیوس دربارهء «شرط بندی پاسکال» iraP ed lacsaP است‏ که بلز پاسکال(1662-1623)ریاضیدان، فیزیکدان،و متکلم فرانسوی مطرح کرده‏ است.پالاسیوس در این اثر نشان داده است که‏ پاسکال درآوردن این برهان از یکی از تألیفات‏ امام محمد غزالی استفاده کرده‏ است.(2)بنابراین،ترجمهء صحیح عنوان این اثر چنین است:پیشینهء اسلامی شرط بندی‏ پاسکال.ولی ظاهرا مترجم در ترجمه عنوان‏ کتاب(سوابق اسلامیة لرهان باسکال)واژه‏ «رهان»-به معنای شرط بندی-را با نام پاسکال‏ اشتباه گرفته،و آن را به صورت«راهان»-که‏ لابد می‏پنداشته نامی فرنگی است-ضبط نموده‏ است و برای پاسکال سوابق اسلامی درست‏ کرده است!

2-در صفحهء 73(ستون 2،سطر 28-29) عنوان یک اثر دیگر از آسین پالاسیوس-که در متن اصلی عربی به صورت«الرشدیة اللاهوتیة فی مذهب القدیس تو ما أکوینی»ضبط گردیده- به صورت«تکامل لاهوتی در مذهب قدیس‏ توما اکوینی»ترجمه کرده است!

این اثر که در اثبات تأثیرپذیری سنت توماس‏ آکویناس(3)(1274-1225 م)از نظریات ابن‏ رشد(1198-1126 م)در الهیات به نگارش‏ درآمده،عنوان آن«ابن رشد گرایی الهیات در مکتب سنت توماس آکویناس»(4)می‏باشد مترجم واژهء«الرشدیة»را در عنوان عربی این اثر -که به معنای رشدیسم( msiorrevA )یا ابن رشد گرایی است-با واژهء«رشد»فارسی‏ اشتباه گرفته و آن را به«تکامل»ترجمه کرده‏ است!چه واژهء«رشد»در زبان عربی هیچ گاه در معنای«تکامل»به کار نرفته است.(5)

3-در صفحهء 76(ستون 1،سطرهای 3 و 4) عنوان پژوهش دیگری از آسین پالاسیوس چنین‏ ترجمه شده است:«صوفی توانا،ابن عربی». در متن اصلی عربی،از این اثر با عنوان‏ «الصوفی المرسی ابن عربی»یاد شده است‏ (صفحه 79 از کتاب«موسوعة المستشرقین») که معنای آن چنین است:«صوفی اهل مرسیه(6)،ابن عربی».مترجم واژهء«المرسی» منسوب به مرسیه را عربی انگاشته و اشتقاق آن‏ را از مراس و مراسة-به معنای شدت و قوت- پنداشته است!اگر چه در این معنا نیز واژهء «مرسی»از نظر ساختار اشتقاقی استعمالی در زبان عربی ندارد.

4-در صفحات 65(ستون 2،سطر 8- شمارهء 10)و 66(ستون 1،سطر 12،شمارهء 22)ترجمه،عنوانهای دو مقاله از بالباس(7)، خاورشناس اسپانیایی،به ترتیب چنین ترجمه‏ شده است:«تالار هفتگانه»و«تالار هفتگانه در قصر الحمراء».اما منظور از«تالار هفتگانه»در کاخ الحمراء در کوردوبا(اسپانیا)-چیست؟در پاسخ باید گفت تالاری به این نام در کاخ‏ الحمراء وجود ندارد!با مراجعه به متن عربی‏ (صفحهء 83)معلوم می‏شود که مترجم«تالار هفتگانه»را معادل«بهو السباع»-به معنای‏ «تالار درندگان»یا«تالار شیران»-آورده است! تالار شیران( ruoC sed snoiL )یکی‏ از تالارهای معروف قصر الحمراء است که در میان آن،مجسمه‏هایی از چند شیر نهاده شده. مترجم محترم برای جزء دوم این نام از پیش خود معنایی ساخته و«تالار شیران»را«تالار

ضبط نادرست صفحه ضبط درست

1-میشل دو گوجه مثلا در ص 125-115 میخائیل دخویه(مستشرق هلندی) leahciM ed.J ejeoG

2-سدیلو مثلا در ص 219-217 سدیو(مستشرق فرانسوی) tollideS.P.L

3-ژوس ماریا والیکرسا مثلا در ص 426 خوزه ماریا وایکروسا(مستشرق اسپانیایی) esoJ asorcillaV.M

4-ریگی بلاشر مثلا در ص 64 رژی بلاشر(مستشرق فرانسوی) sigeR erehcalB

5-گئورگس کالین مثلا در ص 303 ژرژ کولن(مستشرق فرانسوی) segroeG niloC.S

6-جوین بل مثلا در ص 107-106 یونبول(مستشرق هلندی) llobnyuJ.W.T

7-گویارد مثلا در ص 339 گویار(مستشرق فرانسوی) drayuG.S

8-وستفلد مثلا در ص 434-431 وستنفلد(مستشرق آلمانی) dlefnetsuW.F.H

9-گربرت مثلا در ص 318 ژربر(پاپ و مستشرق فرانسوی) trebreG

10-راینو مثلا در ص 193 رن(مستشرق فرانسوی) duanieRT.J

11-مارسی مثلا در ص 375 مارسه(مستشرق فرانسوی)) siacraM.W

12-وایدمن مثلا در ص 441 ویدمان(مستشرق آلمانی) nnamedeiW.E

13-اشونورر مثلا در ص 24 اشنورر(مستشرق آلمانی) ed.F rerrunhcS

14-برشیه مثلا در ص 45 برشه(مستشرق فرانسوی) rehcreB.L

ضبط نادرست صفحه ضبط درست‏

1-چامپاگنول ص 303،ستون 1،سطر 21 شامپانیول(شهری در فرانسه) elongapmahC

2-گیتنگن ص 103 ستون 1،سطر آخر و... گوتینگن negnittog

3-جیسن ص 15 ستون 1،سطر 20 گیسن(شهری در آلمان) nesseiG

4-کالج دو فلرانس.ص 217 ستون 1،سطر 15 و... کلژ دوفرانس egelloC ed ecnarF

5-بودلی ص 7،ستون 1،سطر 12 و... بادلی(کتابخانه‏ای در انگلستان) yeldoB

6-ارغون ص 71،ستون 1،سطر 3 و... آرگون(در اسپانیا) nogarA

7-بیروسیا ص 276 ستون 2،سطر آخر و... پروس essurP

8-ایرلنگن ص 312 ستون 1 سطر 9 و... ارلانگن negnalrE

9-برکشیر ص 96 ستون 2،سطر ماقبل آخر برکشایر(در انگلستان) erihskreB

10-هرفورد ص 365 ستون 1،سطر 5 و 7 هری فرد(در انگلستان) drofereH

11-اوریلاک ص 318 ستون 1،سطر 21 اوریاک(در فرانسه) calliruA

12-نوگان ص 379 ستون 2،سطر 10 نوژان(در فرانسه) enraM-rus-tnegoN

13-(دانشکده)ثالوث ص 425 ستون 1،سطر 1 (دانشکده)ترینیتی(وابسته به دانشگاه کمبریج) ytinirT egelloC

14-آورگن ص 85،ستون 1،سطر 20 اورتی(شهری در فرانسه مرکزی) engrevuA هفتگانه»ترجمه کرده است!

5-در صفحه 65(ستون 1،سطر 14-شمارهء 4)عنوان یکی دیگر از مقالات بالباس چنین‏ ترجمه شده است:«سیری در الحمراء: ناودانها»!در متن اصلی(صفحهء 83 از متن‏ عربی)عنوان این مقاله چنین آمده است: «جولات فی الحمراء:المطامیر»(8)یعنی«گشت‏ و گذاری در الحمراء،انبارهای زیرزمینی»

6-در همان صفحه(ص 65،ستون 2، سطر 10،شمارهء 11)عنوان مقاله دیگری از بالباس چنین ترجمه شده است: «کبوتر خانه‏های اسلامی در جبل الطارق»!در متن اصلی کتاب(ص 83)عنوان اثر چنین‏ است:«الحمامات الاسلامیة فی جبل‏ الطارق...»یعنی حمامهای اسلامی در جبل‏ الطارق.مترجم کلمه«حمامات»را جمع واژه‏ حمامة-آن هم به معنای کبوترخانه نه کبوتر- دانسته است.در حالی که جمع واژهء حمامة (کبوتر)«حمائم»می‏باشد؛و«حمامات»تنها به‏ عنوان جمع واژهء«حمام»به کار می‏رود.(9)

7-در صفحهء 276 ترجمه ستون 2،سطرهای‏ 17 و 18)در فهرست آثار ورنر کاسکل(10)، خاورشناس آلمانی،به این عبارت‏ برمی‏خوریم:«و(اثر)دیگری با عنوان«ریشها و ریشهای بلند»!نوشته ورنر دربارهء قبیله‏ای‏ عربی است به نام«لحیان»که آن را از شاخه‏های بنی هذیل شمرده‏اند.ولی مترجم‏ لحیان(به کسر لام)را با لحیان(به فتح لام)-به‏ معنای کسی که ریش بلند دارد-اشتباه گرفته‏ است.

8-در صفحه 25 ستون 2،سطرهای 19 و 20 عنوان مقاله‏ای از هانس شیدر(11)، خاورشناس آلمانی،چنین ترجمه شده است: «گوته به عنوان فرزند انسان»که عنوان صحیح‏ آن عبارت است از:«گوته به عنوان‏ همنوع».(12)

9-مترجم در صفحه 219(ستون 1، سطرهای 30 تا 34-شمارهء 2)عنوان یکی از مقالات سدیو(13)،خاورشناس معروف‏ فرانسوی،را چنین نوشته است:«کتابچه‏ای‏ دربارهء مبحث طولها که به برخی از نکات‏ اخترشناسی عربی که نیازمند به توضیح است، اشاره دارد»!ترجمهء صحیح این عنوان چنین‏ است:«نامه‏ای به دفتر طولهای جغرافیایی‏ ( uaeruB sed sedutignoL )[وابسته به‏ رصد خانهء پاریس‏]دربارهء نکات قابل توجهی از اخترشناسی عربی»

10-ذیل عنوان وپکه(14)،خاورشناس آلمانی‏ (ص 440،ستون 2،سطرهای 14 و 15) مترجم عنوان یکی از نوشته‏های وی را چنین‏ آورده است:«کوششی برای بازنویسی تألیف‏ آپولونیوس(نجار)مفقوده‏[!]مربوط به کمیات‏ خاموش».این اثر مقاله‏ای است درباره یکی از آثار مفقودهء آپولونیوس پرگایی دربارهء اعداد گنگ(کمیات اصم)مترجم آزمودهء ما،که ظاهرا در ریاضیات نیز همان قدر مسلطند که در عربی، اعداد گنگ را«خاموش»ساخته‏اند!

در صفحات 443 تا 448،ذیل عنوان‏ ویدمان(15)(و نه وایدمن که مترجم نوشته‏ است)به عناوین پژوهشهای وی دربارهء تاریخ‏ علوم در دورهء اسلامی برمی‏خوریم.ترجمهء این‏ بخش از کتاب نیز از اغلاط و اشتباهات فاحش‏ آکنده است.از آن میان به موارد زیر اشاره‏ می‏کنیم: 11-در ص 444،ستون 1،سطرهای 4 و 5 چنین آمده است:«ترجمه و تحقیق فصل خاص‏ مربوط به«علم تردستی»از کتاب مفاتیح العلوم‏ خوارزمی»!مترجم مجرب«علم تردستی»را در برابر واژهء«علم الحیل»(مکانیک)آورده‏اند!

12-در همان صفحه،ستون 1،سطرهای 7 و 8 عنوان یکی دیگر از مقالات ویدمان چنین‏ ترجمه شده است:«منتهای عربی برگرفته از کتاب ارشمیدس دربارهء اجسام رقیق».مترجم‏ به جای«الأجسام الطافیة»که به معنای«اجسام‏ شناور»است،ترجمهء نادرست«اجسام رقیق» را آورده است.ظاهرا ایشان از معنای ریشه‏ طفو کاملا بی‏خبر بوده است.(16)زیرا در همین‏ صفحه(ص 444،ستون 2،سطر 24)عنوان‏ مقالهء دیگری از ویدمان را چنین ترجمه کرده‏ است:«دربارهء نظریهء طفو و قوانین روافع»که ترجمهء آن چنین است:«دربارهء قضیهء شناوری‏ [قانون ارشمیدس‏]و قوانین اهرمها»!

13-در ص 445(ستون 1،سطرهای 5 و 6) عنوان مقالهء دیگری از ویدمان را«دربارهء انکسار نور بر منشور»نوشته است،و واژهء«منشور»را معادل کلمهء«اکر»-به معنای سطوح کروی- پنداشته!

14-در همان صفحه(ستون 1،سطرهای 22 و 23)عنوان مقاله دیگری چنین ترجمه شده‏ است:«پیرامون راهدارها در میان مسلمانان به‏ نقل از جوبری».این مقاله دربارهء کتاب‏ «المختار فی کشف الاسرار و هتک الأستار»اثر عبد الرحمان بن عمر جوبری دمشقی است که در آن به شرح انواع تردستیها،ترفندها و نیرنگهایی‏ که از کیمیاگران،تردستان و طبیبان در طول‏ سفرهایش آموخته پرداخته است.عنوان این‏ مقاله در اصل کتاب چنین ذکر گردیده:«فی‏ أصحاب الطریق»(النصابین)عند المسلمین»که‏ ترجمهء درست آن چنین است:«دربارهء «معرکه گیران»(ترفندبازان)در میان‏ مسلمانان».(17)

لغزشهای مترجم در این زمینه بسیار فراوانتر از اینهاست،ولی همین اندک کفایت از آن‏ بسیار می‏کند.

3-اشتباه در درک معنای عبارات:

اشتباهات مترجم در فهم معنای صحیح‏ عبارات نیز بسیار فراوان است.از میان آنها به‏ ذکر موارد زیر بسنده می‏کنیم: 1-در صفحه 104(ستون 1،سطرهای 3-1) چنین می‏خوانیم:«در 1864 به لیپزیک رفت و عربی را نزد یدی فلیشر آموخت».این جمله‏ برگردان فارسی این عبارت از صفحهء متن عربی‏ است:«و فی 1864 انتقل الی لیپسک حیث‏ درس علی یدی فلیشر»برگردان صحیح آن چنین‏ است:«در 1864 به لایپزیک رفت و در آنجا عربی را نزد فلایشر آموخت».مترجم معنای‏ عبارت«علی یدی فلیشر»در نیافته و گمان کرده‏ است که«یدی»نام هاینریش فلایشر زبان شناس‏ معروف آلمانی است!

2-در ص 47(ستون 1،سطرهای 10 و 11) عنوان مجله معروف آلمانی زبان‏" ebolG " (کره زمین)را چنین آورده است:«مجلهء کلوپ‏ (توپ فوتبال)»!!جالب این است که در متن‏ عربی در توضیح نام مجله داخل پرانتز چنین آمده‏ است:«الکرة الأرضیة»،ولی مترجم از آن‏ توپ فوتبال فهمیده است چون توپ هم کروی‏ است و هم روی زمین می‏چرخد!

3-در صفحهء 48(ستون 3،سطرهای 7-2) چنین آمده است:«وی‏[اوتینگ‏]در خانه‏اش‏ کلاسهایی دربارهء کتیبه‏ها و خط عربی تشکیل‏ می‏داد.بروکلمان می‏گوید وی به خاطر آن که‏ اوتینگ عربی را بسیار زیبا می‏نوشت-به خلاف‏ آلمانی که بسیار بد می‏نوشت-به او احترام‏ می‏گذاشت!»ترجمهء صحیح عبارت چنین‏ است:«...بروکلمان گفته است از اینکه‏ می‏توان عربی را،بر خلاف خط ناخوانای‏ آلمانی خود،بسیار زیبا بنویسد،خود را مدیون‏ اوتینگ می‏داند».همان گونه که پیداست مترجم‏ معنای عبارت را به کلی واژگونه دریافته است.

4-در صفحهء 71(ستون 2،سطرهای 7-2) از ترجمه فارسی می‏خوانیم:«مسیحیان در 512 قمری سرقسطه را پس از نه ماه محاصره به صلح‏ از دست مسلمانان گرفتند.پنجاه هزار فرنگی در این حمله شرکت داشتند و ابن ردمیر(18)در حمله‏ای دیگر،با کمک و فضل خداوند آن را به‏ دامان اسلام بازگرداند».معنای این جملات- که ترجمهء عباراتی است از کتاب«الروض‏ المعطار»اثر ابن عبد المنعم حمیری-دلالت‏ دارد بر اینکه مسیحیان در سال 512 قمری شهر سرقسطه(ساراگزا در اسپانیا)را که در دست‏ مسلمانان بود تصرف کردند.و بار دیگر شخصی‏ به نام ابن ردمیر به فضل خدا آن را به جهان‏ اسلام بازگرداند.اما در تاریخ آمده است که‏ سرقسطه در سال 93 قمری(712 م)به قلمرو اسلامی پیوست و در سال 512 قمری(1119 م) با هجوم سپاهیان اسپانیایی برای همیشه از دست‏ مسلمانان خارج گردید.در اصل کتاب نیز چنین‏ آمده است:«مسیحیان این شهر را پس از نه ماه‏ محاصره در 512 قمری به صلح از تصرف‏ مسلمانان خارج ساختند.و این آنگاه بود که‏ فرنگیان با پنجاه هزار سوار،و پسر ردمیر نیز در یورشی دیگر،برای گرفتن شهر روی آورده‏ بودند.خداوند متعال به فضل خود آن را به‏ مسلمان بازگرداناد».هنرنمایی مترجم این است‏ که معنای فعل جملهء دعایی«أعادها الله بفضله‏ الی المسلمین»را به صورت ماضی آورده و پنداشته پسر ردمیر از سرداران مسلمان بوده‏ است!

5-در صفحه 64(ستون 1،سطرهای 14 و 15)ذیل عنوان بلاشر آمده است:«در 1924 در آزمون دار الفنون موفق شد».ترجمهء صحیح این‏ عبارت چنین است:«در سال 1924 در آزمون‏ گزینش معلمان( noitagerga )پذیرفته گردید». جا داشت مترجم هنگام ترجمهء این عبارات از خود می‏پرسید چه رابطه‏ای میان بلاشر، شرق شناس فرانسوی،با آزمون دانشگاه پلی‏ تکنیک(دار الفنون)پاریس وجود داشته است؟!

6-در صفحه 98(ستون 1،سطرهای 2 تا 10)می‏خوانیم:«بخشهایی از کتاب مقدس که‏ مسلمانان آن را به پیامبر(ص)نسبت داده‏اند!... این بخشها،شامل قانون دوم‏[؟]33:2 و مزامیر 50:2 و انجیل یوحنا 16:7 است».عبارت‏ مترجم به وضوح دلالت دارد بر آنکه مسلمانان‏ بخشهای یاد شده را به پیامبر اسلام(ص)منسوب‏ کرده‏اند!چنین ادعایی به راستی شگفت انگیز است و جالب اینجاست که خود مترجم نیز از ترجمهء خود شگفت‏زده شده است!زیرا با آنکه‏ در متن عربی علامت تعجب در پایان جمله آورده‏ نشده است،او جملهء خود را با این علامت‏ پایان داده است.ترجمهء درست اصلی متن‏ چنین است:«بخشهایی از کتاب مقدس که‏ مسلمانان آن را دربارهء پیامبر اسلام(ص) دانسته‏اند و آنچه مترجم«قانون دوم»!نامیده‏ است نیز چیزی جز سفر تثنیه از عهد قدیم کتاب‏ مقدس نیست.

7-در صفحهء 82(ستون 1،سطرهای 8-5) مترجم در برگردان فارسی بیتهایی از بهاء زهیر، شاعر عرب(655-580)مرتکب لغزشهایی‏ چند شده است: «و لقد آن بأن أصحو فمالی طال سکری؟ هر لحظه فریاد می‏زنم که چرا مستی‏ام چنین به‏ درازا کشیده است؟»

از میان چندین خطا که در برگردان فارسی این‏ بیت روی داده است،تنها به ترجمه نادرست‏ فعل«أصحو»-به معنای«بیدار می‏شوم،به‏ هوش می‏آیم»(19)-اشاره می‏کنیم.ظاهرا مترجم این واژه را با کلمه«أصیح»(20)-به‏ معنای«فریاد برمی‏آورم»-اشتباه گرفته است. ترجمه صحیح این بیت چنین است:«هنگام آن‏ فرا رسیده که به هوش آیم،پس چه می‏شود که‏ مستی‏ام چنین به درازا کشیده است؟»

8-بیت بعدی را نیز به طور دقیق ترجمه نکرده‏ است: «أتری یستدرک الفا رط من تضییع عمری‏ آیا دیده شده است که کسی عمر از دست رفته‏ را باز یابد؟!»

مترجم فعل«تری»را که مضارع مجهول از ریشه رأی است،به صورت ماضی معنا کرده‏ است.همچنین در ترجمهء«أتری»-که همچون‏ «هل تری»و«یا تری»،به معنای«آیا می‏پنداری»است(21)-مرتکب اشتباه شده‏ است.افزون بر اینها،فعل«یستدرک»را که‏ فعل مضارع مجهول است،به صورت معلوم‏ ترجمه کرده است.ترجمه صحیح این بیت‏ چنین است:«آیا می‏پنداری عمری که بر باد رفت،جبران خواهد گشت»

9-در صفحه 302(ستون 2،سطرهای‏ 22-15)چنین آمده است:«وی‏[کوزگارتن‏] روابط محکمی با گوته داشت:سروده‏های‏ عربی را برای او ترجمه می‏کرد و گوته آنها را به‏ شعر باز می‏گرداند و آنها را در«دیوان شرقی از مؤلف غربی»آورده است.از جمله سروده‏ای‏ که برای شرا-یا دختر خواهرش-است و مطلع‏ آن چنین است:«به ملتی که بدون روزیست...» ترجمهء این عبارات در صورت درست آن چنین‏ است:«رابطهء میان او و گوته رابطه‏ای مستحکم‏ و وثیق بود.او برخی از اشعار عربی را ترجمه‏ می‏کرد و گوته آنها را به شعر باز می‏گرداند،و در کتاب خود،«دیوان شرقی از نویسنده‏ غربی»،جای می‏داد.از میان این اشعار می‏توان به قصیدهء تأبط شرا-یا خواهرزاده‏اش- با مطلع:ان بالشعب الذی دون سلع اشاره‏ کرد».

تأبط شرا(22)لقب معروف ثابت بن جابر، شاعر دورهء جاهلی است.قصیده مزبور را احتمالا خواهرزادهء تأبط شرا در رثای وی‏ سروده است و به اشتباه به خود وی منسوب‏ گردیده است.(23)مطلع این قصیده چنین‏ است: ان بالشعب الذی دون سلع‏ لقتیلا دمه مایطل‏ به راستی در میان دره‏ای که پایین سلع(در نزدیکی مدینه)قرار دارد،کشته‏ای است که‏ خونش به هدر نخواهد رفت.(انتقام خونش‏ گرفته خواهد شد).

مقایسهء میان معنای درست عبارات را با آنچه‏ مترجم آورده است بر عهده خوانندگان‏ می‏گذاریم.

10-در صفحه 446(ستون 2،سطرهای‏ 31-28)چنین آمده است:«مشخص کردن‏ اندازهء قطرهای دایرهء کشیده شده پیرامون و بر اضلاع منظم و محتوی السطوح و اجسام...» ترجمه صحیح چنین است:«تعیین اقطار دایرهء محیطی و محاطی در چند ضلعی منتظم».

11-در صفحه 441(ستون 2،سطرهای‏ 25-20)می‏خوانیم:«[ویدمان‏]نزد تعدادی از فیزیکدانان بزرگ آلمان و حتی جهان از جمله: هلمهولتس‏[!]...و بخصوص کرشهوف که در زمینه حرارت و دیدن و بخصوص در تحلیل‏ طیف تفوق داشت،شاگردی کرد».ترجمهء این‏ عبارت بدین قرار است:او از درسهای برخی‏ فیزیکدانان نام‏آور آلمان و جهان همچون‏ هلموتس(24)...و به ویژه کرشهوف(25)که‏ پژوهشهایش در ترمودینامیک و أپتیک‏ (نورشناسی)-خصوصا در طیف سنجی‏ -ypocsortcepS شهرت جهانی دارد،بهره‏ برد.

مترجم در ادامهء چنین می‏نویسد(صفحه‏ 442،ستون 1،سطرهای 4-1):[ویدمان‏]در سال 1872 دکترای مقدماتی‏اش را با رساله‏ای‏ به نام«دربارهء استقطاب اهلیلجی از نور و رابطهء آن با رنگهای سطوح اجسام»...دریافت کرد». ظاهرا مترجم هر جا به واژهء دشواری برمی‏خورد یا آن را به صورت نادرست معنا می‏کند یا بدون‏ ترجمه باقی می‏گذارد!ترجمه آن عنوان چنین‏ است:«در سال 1872 دکترای نخست خود را با رساله‏ای با عنوان«پلاریزاسیون(قطبش) بیضی گون نور و رابطهء آن با رنگهای سطح‏ اجسام»...دریافت کرد».

12-در صفحه 365(ستون 1،سطرهای 12 و 13)چنین آمده است:«[لین‏]به برادرش در لندن پیوست و به تحصیل در رشته«حفاری» پرداخت».!مترجم محترم از خود نمی‏پرسد که‏ از چه هنگام«حفاری»رشته تحصیلی شده‏ است!عبارت چنین است:«لین به نزد برادرش‏ در لندن رفت تا به فراگیری حرفه گراورسازی‏ ( gnivargne )بپردازد».

13-در صفحهء 258(ستون 2،سطر 6)آمده‏ است:«مدتی طولانی را در منطقه استیریا (بالنمسا)...اقامت گزید».مترجم معنای‏ عبارت داخل پرانتز را در نیافته و آن را به همان‏ صورت در ترجمهء خود آورده است.«النمسا» نامی است که عربها به اتریش اطلاق می‏کنند و «بالنمسا»یعنی در اتریش.

14-در صفحه 259(ستون 1،سطرهای 24 -18)در فهرست آثار فلوگل،خاورشناس‏ آلمانی،آمده است:«چاپ متن عربی قرآن... این چاپ از آن روز تاکنون مورد استناد و اعتماد خاورشناسان قرار گرفت‏[گرفته است‏]، حداقل در شماره گذاری آیات قرآن».آنچه‏ مترجم به«شماره گذاری آیات قرآن»ترجمه کرده‏ است،در متن عربی با عبارت«ترقیم آیات‏ القرآن»آورده شده است که به معنای«به کار بردن نشانه‏های سجاوندی(علامت گذاری) «آیات قرآن»است نه شماره گذاری آیات!(26)

ترجمه از نظر ساخت جملات فارسی نیز دارای اغلاط فراوان است و ظاهرا هیچ گونه‏ ویرایش زبانی در متن ترجمه به عمل نیامده‏ است.سخن آخر اینکه اشتباهات«ترجمه» بسیار فراوانتر از اینهاست.و به جرأت می‏توان‏ گفت که ذکر تمام موارد اشتباه در این کتاب‏ مستلزم نگارش کتابی دیگرست!از این رو می‏توان چنین نتیجه گرفت که کتاب«موسوعة المستشرقین»اثر عبد الرحمان بدوی هنوز ترجمه نشده است.امیدواریم هر چه زودتر شاهد انتشار ترجمه‏ای وفادار از این کتاب‏ باشیم.

پی نوشت:

(1)- nisA.M soicalaP خاورشناس شهیر اسپانیولی. شهرت وی بیشتر به خاطر کارهای تطبیقی او در خصوص‏ تأثیرپذیری برخی از متفکران و نویسندگان غربی از آثار اندیشمندان شرقی است.

(2)-برای کسب آگاهی بیشتر در این باره به کتاب«دور العرب‏ فی تکوین الفکر الأروبی»اثر عبد الرحمان بدوی(فصل سوم) مراجعه فرمایید.

(3)- tniaS samohT saniuqA :متکلم و روحانی نامدار مسیحی قرن سیزدهم میلادی که برخی از آثار وی سالها به عنوان‏ متن درسی در مدارس مسیحی تدریس می‏گردید.

(4)-عنوان اصلی این کتاب چنین است:" lE omsiorrevA ocigoloeT ed otnaS samoT " .oniuqA

(5)-راشد در زبان عربی به معنای«راهیافتگی»و«راست‏ ایستادگی در راه حق»است.(لسان العرب،ج 3،ص‏ 177-175).

(6)- aicruM شهری در اسپانیای جنوبی که زادگاه ابن عربی‏ بوده است.

(7)- sablaBT.L

(8)-مطامیر جمع واژهء مطمورة به معنای انبار سیلوی زیرزمینی‏ است.و در هیچ واژه نامه‏ای معنای«ناودان»برای آن ضبط نشده است.دربارهء این واژه در لسان العرب چنین آمده است: «المطمورة:حفیزة تحت الأرض أو مکان تحت الأرض قد هیی‏ خفیا یطمر فیها الطعام و المال أی یخبا...و المطامیر:حفر تحفر فی الارض توسع أسافلها تخبا فیها الحبوب».یعنی: «مطموره:حفیره کوچک یا محلی در زیرزمین برای پنهان کردن‏ غذا یا اموال...و مطامیر:حفره‏هایی در زمین که در بخش زیرین‏ فراخ می‏باشد و در آنها دانه‏ها و حبوبات مخفی می‏گردند». مطامیر جمع واژهء طومار نیز دانسته شده است که به معنای نواری‏ است که بنا ساختمان را با آن اندازه‏گیری می‏کند.(لسان‏ العرب،ج 4،ص 503)

(9)-نگاه کنید به«المعجم الوسیط»،تألیف فرهنگستان زبان‏ عربی در مصر،ص 200«المنجد»حمامات(به تخفیف میم‏ جمع دیگر واژه حمامة به معنای«کبوتر»دانسته شده است؛اما هیچ گاه این کلمه به معنای«کبوتر خانه‏ها»به کار نرفته است.

(10)- laKsaC.W

(11)- redeahcS.H

(12)- ehteoG sla hcsnemtiM

(13)- tollideS.P.L

(14)- ehcpeoW.F

(15)- nnamedeiW.E

(16)-ایشان اگر زحمت مراجعه به یکی از واژه نامه‏های‏ معروف را بر خود هموار می‏کرد،معنای این واژه را در می‏یافت:المنجد ص 468:طفا،طفوا...علا فوق‏ الماء و لم یرسب.(بر روی آب ماند و در آن فرو نرفت).

(17)-پیداست مترجم به هیچ وجه از موضوع مقاله آگاه‏ نبوده؛و گویا حتی مراجعه به واژه نامه‏ای معتبر نیز بر او دشوار بوده است.برای مثال در المعجم الوسیط ذیل واژه النصاب‏ چنین آمده است:الخداع المحتال(فریبکار حیله‏گر).(المعجم‏ الوسیط،ج 2،ص 925).

(18)-ابن ردمیر نامی است که در منابع اسلامی به آلفونسوی اول(حکومت 529-497 ق/ 1135-1104 م)داده شده است.وی پس از پدرش سانچو رامیرز در آراگون(اسپانیا)بر تخت نشست و از همان آغاز چون‏ امیران مسیحی دیگر،به جنگهای گسترده بر ضد مسلمانان دست‏ زد.(دایرة المعارف بزرگ اسلامی،ج 2،ص 83).

(19)-صحا النائم،یصحو صحوا:استیقظ( بیدار شد)و صحا السکران و نحوه:أفاق( به هوش آمد)(المعجم‏ الوسیط،ص 508).در ادبیات عرفانی ما نیز کلمه صحو به‏ معنای هشیاری در ترکیب«صحو بعد المحو»مشهور است.

(20)-صاح یصیح صیحا:صوت فی قوه( به شدت بانگ‏ زد)(المعجم الوسیط،ص 530)

(21)-یقال«یا تری و یا هل تری»أی:یا رجل!هل تری و تظن.و لم یسمع مضارع«رأی»بمعنی الظن الا مجهولا:گفته‏ می‏شود«یا تری و یا هل تری»یعنی،ای مرد!آیا فکر می‏کنی و می‏پنداری...هیچ گاه فعل رأی در معنای پنداشتن به کار نمی‏رود مگر آنکه مجهول باشد.(المنجد،ص 243).

(22)-گویند دلیل آنکه وی بدین نام مشهور گردیده،این بوده‏ است که روزی شمشیری زیر بغل نهاده و از خانه بیرون رفت. چون از مادرش پرسیدند او کجاست؟گفت:تأبط شرّا و خرج‏ (شری زیر بغل نهاد و رفت).

(23)-لسان العرب،ج 8،ص 161،ذیل واژهء سلع.

(24)- zthomleH

(25)- ffohhcrik

(26)-در المعجم الوسیط در توضیح معنای«الترقیم»چنین‏ آورده شده است:«الترقیم:علامات اصطلاحیة توضع فی أثناء الکلام او فی آخره کالفاصلة و النقطة و علامتی الاستفهام و التعجب».ترقیم نشانه‏هایی اصطلاحی که در میان جمله یا آخر آن گذاشته می‏شود؛مانند فاصله،نقطه و علامتهای سؤال و تعجب»(المعجم الوسیط،ص 366)